

نقد و بررسی کتاب مقدمه‌ای بر فلسفه قرون وسطی

عبدالله غلامرضا کاشی*

چکیده

مقدمه‌ای بر فلسفه قرون وسطی گزارشی است درباره‌ی بعضی از مفاهیم بنیادین فلسفه، مثل ایمان و وحی، خدا، استعلاتیات، نفس و ... نزد برخی از اندیشمندان برجسته سده‌های میانی، همچون آنسلم و توماس آکویناس. نویسنده اثر در اغلب مباحث، ضمن اشاره به ریشه‌های بحث در دوره باستان، نشان داده است که چگونه عالمان مسیحی با بهره‌گرفتن از دیدگاه‌های فیلسوفان بزرگ یونانی در راستای ایجاد مبانی مستحکم و عقلانی برای آموزه‌های دینی مسیحیت تلاش کرده‌اند. وی سده‌های میانی را نه تنها دوران انقطاع رویکردهای فلسفی نمی‌داند، بلکه بر این باور است که همان‌گونه که اندیشه‌های یونانیان زمینه‌ساز شکوفایی فکری در قرون وسطی شد، تفکرات اندیشمندان آن دوران نیز سبب پیدایش و بالندگی جریان‌های فکری و فلسفی دوره رنسانس شد. ایشان با جدیت از سودمندی مطالعه و بررسی فلسفه قرون وسطی دفاع می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرون وسطی، عقل و ایمان، خدا، ایده‌های الهی، کلیات، استعلاتیات، کیهان، سرشت و نفس.

۱. مقدمه

مقدمه‌ای بر فلسفه قرون وسطی، مفاهیم اصلی (An Introduction to Medieval Philosophy, Basic Concept) آخرین اثر ژوزف دبلیو کوترسکی (Joseph W. Koterski, S. J.) استاد فلسفه، کشیش یسوعی مذهب و نویسنده آمریکایی است. وی از سال ۱۹۹۲ استاد فلسفه

* استادیار دانشگاه فرهنگیان ag.kashi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱

دانشگاه یسوعیون فوردهام شهر نیویورک و سروراستار فصلنامه بین‌المللی فلسفه این دانشگاه است. علاوه بر این، ایشان پدر روحانی در کلیسای ایالت مری‌لند است و برای مؤسسات آموزشی سلسله مباحثی را درباره اخلاق ارسطویی، حقوق طبیعی، فطرت انسان و ادبیات حکمت انجیلی ارائه کرده است. وی علاوه بر کتاب یادشده، پنج اثر دیگر را (با همکاری سایر اساتید) با عناوین *تعلیم و تربیت قرون وسطی*، *فرهنگ و عقیده*، *دو بال کاتولیک*، *یاسپرس در تاریخ فلسفه و فلسفه تاریخ*، و *رسالت و دیپلماسی: آموزه‌های اخلاقی ژان پل دوم* نوشته است.^۱

از این نویسنده هشتادویک مقاله در نشریات علمی مختلف منتشر شده است. همچنین پانزده مقاله در *دایرةالمعارف جدید کاتولیک*؛ *دایرةالمعارف تفکر اجتماعی کاتولیک* و *لغت‌نامه فیلسوفان امریکایی مدرن* در مورد عناوینی مثل تاریخ اخلاق، الهیات اخلاقی، تومیسیم و نئوتومیسیم از ایشان چاپ شده است. انتشار هفده مورد خطابه و تأملات از دیگر آثار ژوزف کوترسکی است. حوزه‌های علائق پژوهشی این پژوهشگر متافیزیک، اخلاق و تاریخ فلسفه قرون وسطی است.

کتاب مورد بررسی در این مقاله در ۲۴۷ صفحه و برای نخستین بار در سال ۲۰۰۹ از سوی انتشارات ویلی-بلکول (Wiley-Blackwell) در انگلستان منتشر شده است.

۲. تحلیل بیرونی

در دوره پیشامدرن، مهم‌ترین دغدغه اندیشمندان و عالمان دینی مغرب‌زمین ترویج و تعمیق آموزه‌های دینی و تلاش در حوزه مباحث درون‌دینی بود، و به تعبیر زیمل در قرون وسطی فلسفه خدمت‌گزار تئولوژی، بنیاد حقایق دینی، بود (زیمل، ۱۳۹۰: ۱۴). اما پس از انقلاب صنعتی و ظهور مدرنیته، دین و باورهای دینی در معرض چالش با رهاوردهای نظری و عملی علم‌گرایی، ماده‌گرایی، سکولاریسم و دیگر نگرش‌هایی قرار گرفت که از درون و بیرون آن را مورد نقد جدی قرار داده بودند. از آن پس پرسش‌ها تنها ناظر بر امور جزئی و ظاهری دین نبود، بلکه بود و نبود ماوراءالطبیعه، ضرورت دین، معناداربودن گزاره‌های دینی، عالم پس از مرگ و جاودانگی انسان به پرسش گرفته شده بود. پیام مرگ خدا به گوش می‌رسید و پیامبرانی ندای رستگاری بشر را سر داده بودند که از سوی هیچ خدایی نیامده بودند، و دین نیز افیون توده‌ها خوانده می‌شد.

متقابلاً دیری نپایید که بسیاری از الهی‌دانان و متکلمان نام‌آشنا در مقام دفاع و

پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نقدهای مطرح‌شده برآمدند و ضمن رجوع به آرای فیلسوفان قرون وسطی و متون پیشین و بازخوانی آن‌ها سعی وافری در احیای الهیات و مبانی اعتقادی مسیحیت به‌کار گرفتند. در این زمینه حجم انبوهی از آثار فلسفی و الهیاتی - به‌ویژه پس از فرونشستن آتش جنگ‌های جهانی - در مراکز آکادمیک اروپایی و امریکایی و مراکز علمی مرتبط با کلیسا تولید شد. اگرچه در دهه‌های پایانی قرن بیستم و دهه نخست هزاره سوم، رویکردهای ماتریالیستی تا اندازه‌ای فروکش کرد، اما جنبش‌های نوین دینی، ایمان‌های بدون خدا و صورت‌های متنوع دیگری از پشت‌کردن به ادیان کهن شکل گرفتند. علاوه بر عوامل پیشین، بحران‌های مدرنیته و امواج جدید حاصل از بی‌هویتی‌ها سبب احساس نیاز بیشتر به طرح مباحث بنیادین در فلسفه و کلام و زمینه‌ساز فعالیت‌های گسترده‌تر برای متفکران و به‌خصوص صاحب‌نظران دین‌ورز شد. بنابراین، بسیاری از مراکز و پژوهشگران علاقه‌مند و مدافع ارزش‌های دینی اقدام به تألیف مقالات و کتاب‌هایی در زمینه تعالیم و عقاید دینی مسیحی کرده‌اند. به این ترتیب، می‌توان زمینه‌ها، و خاستگاه علمی، فکری و اجتماعی پژوهش و نگارش آثاری مثل *مقدمه‌ای بر فلسفه قرون وسطی* را در این راستا توجیه کرد.

از سوی دیگر، فلسفه در تاریخ تفکر مسیحی اگرچه در ادامه و متأثر از اندیشه یونانی است، اما اساساً از جنس خرد آزاد و فلسفه ناب مطرح نزد فیلسوفان یونانی نیست. نزاع بر سر وجود یا عدم وجود فلسفه در سده‌های میانه نزاع پردامنه‌ای است که موافقان و مخالفان خود را دارد. بررسی آثار الهی‌دانان بزرگ مسیحی مثل آگوستین، دیونسیوس، آنسلم و توماس آکوئیناس که مشحون از اصطلاحات و آرای فلسفی است، نشانگر آن است که از اهداف اصلی به‌کارگرفتن عقل و توجه به خرد فلسفی، فهم و تبیین باورها و اعتقادات دینی بوده است. برای مثال، اوریگن (۱۸۵-۲۵۱ م) با پای‌بندی به برنامه سلف خود، کلمنت، تلاش کرد تا ایمان مسیحی را با تعلیم و تربیت یونانی‌مآب سازگار کند، به نحوی که مسیحیت نقطه اوج و کمال همه ادیان به‌نظر آید (هانس کونگ، ۱۳۸۶: ۶۰). همچنین، موضوعاتی مثل صفات الهی، رابطه خدا و جهان و نسبت میان عقل و وحی که از سوی اندیشمندان متعلق به قرون میانه مورد مذاقه قرار گرفته دلالت بر آن دارد که فلسفه مدرسی عموماً الهیات به معنای اخص است و به‌ویژه ربط وثیقی با الهیات مسیحی دارد، تا جایی که حتی برخی از سنت فکری دوره میانه تعبیر به فلسفه مسیحی کرده‌اند. کاپلستون نیز به‌صراحت وجود فلسفه مسیحی را مورد تأیید قرار داده و می‌نویسد:

اگر درست باشد که گفته شود فلسفه قرون وسطی چیزی بیش از الهیات نیست، در آن صورت باید انتظار می‌داشتیم اندیشمندانی که دین واحدی را پذیرفته‌اند فلسفه واحدی را نیز پذیرفته باشند، یا اختلاف‌های بین آنان محدود به اختلاف در نحوه احتجاج در خصوص منزلت وحی باشد؛ اما در واقع چنین چیزی بعید است... به طور قطع باید چیزی به نام فلسفه قرون وسطا وجود داشته باشد؛ زیرا اگر وجود نداشت نمی‌توانست تاریخ داشته باشد (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۹).

البته گویی اندیشمندان این دوره اولاً و بالذات مؤمن و متفکر مسیحی‌اند و ثانیاً و بالعرض فیلسوف. بررسی موضع آنان در قبال جایگاه عقل و وحی و چالش میان آن‌ها نیز گویای این مهم است. مطابق رأی ژیلسون سه رویکرد در این رابطه قابل اشاره است: ۱. ایمان در نقطه مقابل وحی قرار دارد، ۲. عقل قابل اعتناست، اما در جایگاهی پایین‌تر از وحی، و ۳. تقدم مطلق فلسفه نسبت به وحی (ژیلسون، ۱۳۷۸: ۳-۶، ۱۳-۱۵، و ۳۳-۵۱). اما در زمینه خاستگاه فکری و اجتماعی کتاب کوترسکی می‌توان گفت، در یک‌صد سال گذشته شمار زیادی کتاب و مقاله راجع به فلسفه و فیلسوفان قرون میانه به رشته تحریر درآمده است. جدا از دائرةالمعارف‌ها و کتاب‌های تاریخ فلسفه که غالباً با رویکرد توصیفی به مسئله پرداخته‌اند، سایر نوشته‌های ذی‌ربط را می‌توان از جهتی به دو بخش اساسی تقسیم کرد. دسته اول آثاری هستند که تحت تأثیر رویکردهای پساکانتی و فلسفه تحلیلی به نقد فلسفه قرون وسطی و مباحث بنیانی آن پرداخته‌اند و بر این باورند که با ظهور جهان مدرن و پیدایش فلسفه‌های مدرن دوران اندیشه‌های پیشامدرن به پایان آمده و نگرش‌های تراویده از ذهن فیلسوفان مسیحی در قرون میانه - و اساساً چنین رویکردهایی به فلسفه - دیگر قابل اعتنا نیست. دسته دوم - مثلاً آثار نوتوماسیان - شامل آثاری می‌شود که برای اندیشه‌های فلسفی مطرح‌شده در این دوران ارزش گوهری قائل‌اند و آن‌ها را زمینه‌ساز تحولات فکری بعدی قلمداد می‌کنند. بنابراین نه تنها توجه به دیدگاه‌های فیلسوفانی مثل سنت آگوستین، آکوئیناس و ویلیام اکام را حائز اهمیت بسیار می‌دانند، بلکه در مقام خوانش انتقادی آثار دسته اول برآمده و ضمن تلاش برای پاسخ‌گفتن به نقدهای آنان، سعی در احیا، بازنگری و روزآمدساختن فلسفه قرون وسطی داشته‌اند. بروز بحران‌های مدرنیته در عرصه اخلاق و اعتقادات و مسائل گوناگون در عرصه‌های نظری و عملی، به‌ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم - که امکان پرداختن به آن‌ها در این مجال نیست - سبب شد که بازگشت و تأمل دوباره درباره اندیشه‌های متفکران قرون میانه با اقبال بیشتری مواجه شود. اثر ژوزف کوترسکی

از جمله آثاری است که می‌توان آن را به تعبیر خود نویسنده کاری مقدماتی در راستای فعالیت‌های این گروه طبقه‌بندی کرد.

از سوی دیگر بررسی سوابق تحصیلی نویسنده، کشیش‌بودن و وابستگی او به کلیسای مری‌لند و نوع تألیفات و سخنرانی‌های دینی وی حکایت از دل‌بستگی نظری و عملی کوترسکی به مسیحیت و سنت فکری و فلسفی دورهٔ میانه-البته از نوع توماسی آن-دارد. طبیعی است که وی هم به مثابهٔ یک دانش‌آموختهٔ فلسفه که در مسیر سنت فلسفی نزد متفکران مسیحی گام برمی‌دارد، و هم به منزلهٔ یک عالم دینی، ضمن رجوع به اندوخته‌های عظیم فرهنگی مسیحیت به بازخوانی آن‌ها پردازد و از آن‌ها برای ترویج و دفاع از باورهای خود کمک بگیرد.

دربارهٔ جایگاه کتاب کوترسکی در میان سایر آثار، می‌توان گفت شمار آثار وزین تهیه‌شده در زمینهٔ فلسفه و مباحث مربوط به اندیشمندان قرون وسطی بسیار زیاد است. برای مثال، نوشته‌های فردریک کاپلستن^۲ و اتین ژیلسون^۳ در این باره اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و مورد توجه بسیاری از اهل نظر و مراکز علمی سراسر دنیاست. در این میان کتابی که کوترسکی نوشته است جنبهٔ کلی و آشنایی اولیه با مفاهیم کلیدی آن دوران دارد. بعضی از ویژگی‌های این اثر به قرار ذیل است:

- برخلاف بسیاری از آثار که تاریخ فلسفهٔ قرون وسطی را محور بحث خود قرار داده‌اند، وی مهم‌ترین مفاهیم اساسی مثل خدا، ایده‌های الهی، مسئلهٔ نفس، کیهان و طبیعت و ... را که در آن دوران محل مناقشهٔ متفکران بوده بررسی کرده است.

- نویسنده، ضمن خودداری از بیان تفصیلی، کوشش کرده در حجمی مناسب نکات اساسی را به‌اجمال مورد توجه قرار دهد.

- کتاب علاوه بر علاقه‌مندان به الهیات و کلام مسیحی، برای دانشجویان و دانش‌پژوهان سطوح میانی سایر رشته‌ها نیز قابل استفاده است.

۳. مروری بر محتوای کتاب

مفاهیم مهم مورد مناقشه نزد فیلسوفان و متکلمان قرون میانه اصلی‌ترین موضوعاتی است که در اثر کوترسکی در مورد آن‌ها بحث شده است. در این کتاب پس از مقدمه، به‌ترتیب هفت مبحث ایمان و عقل، خدا، تصورات الهی، مسئلهٔ کلیات، استعلاتیات، کیهان و طبیعت و موضوع نفس مطرح شده است.

بررسی رابطه عقل و ایمان که عنوان فصل اول کتاب را به خود اختصاص داده و با بعضی تفاوت‌ها و تشابهات در میان صاحب‌نظران دیگر ادیان ابراهیمی هم مطرح بوده، از آغاز تا پایان قرون وسطی همواره محل بحث و گفت‌وگو در میان عالمان مسیحی بوده است. البته مطابق رأی کوترسکی این دو مقوله مهم بیش از آن‌که خصم یک‌دیگر باشند با هم اتحاد و اتفاق داشته‌اند (Koterski, 2009: 10). وی ضمن ارائه مطالبی در باب معنای واژه‌های عقل و ایمان و ریشه‌یابی آن‌ها از دوران باستان، به سیر تدریجی آشنایی مسیحیان با اندیشه یونانی و درآمیختن تعالیم مسیحی با واژگان و دیدگاه‌های فلسفی می‌پردازد. این فصل با ترسیم رابطه میان فلسفه و الهیات، و اشاره به این‌که فیلسوفان دوره میانه شواهد آشکاری را مبنی بر محترم‌شمردن تفاوت میان عقل و ایمان به مثابه منابع معرفت و آگاهی ارائه می‌کردند، ولی همواره هم بر رابطه عمیق میان آن‌ها پای می‌فشرده‌اند، به پایان می‌رسد (ibid: 31).

در فصل دوم کتاب نویسنده درباره خدا، حضور او در همه جا و همه کس و برتری او بر همه موجودات، ادله اثبات وجود خدا و صفات خداوند بحث می‌کند. او در این فصل در پی آن است که نشان دهد چگونه عالمان مسیحی در قرون وسطی به عنوان مؤمنان دینی از فلسفه مدد می‌گرفتند تا رابطه میان خدا و جهان را تبیین کنند. وی در بحث اثبات وجود خداوند مروری اجمالی دارد بر آنچه آگوستین، آنسلم و آکوئیناس در این باره مطرح کرده‌اند، و ضمن اشاره به این‌که فیلسوفان یهودی، مسیحی و مسلمان دلایل کیهان‌شناسانه متعددی را در قرون وسطی در خصوص وجود خدا ارائه کرده‌اند، «راه‌های پنج‌گانه» (Five Ways) مشهور آکوئیناس را شرح می‌دهد (ibid: 48). همچنین در ادامه این فصل، مسائلی را درباره ذات و صفات الهی با توجه به محدودیت‌های موجود در زبان آدمی به هنگام سخن‌گفتن درباره خداوند، مسئله علم الهی و اختیار انسان، و بحث یکی‌بودن وجود و ماهیت در خداوند مطرح می‌کند. کوترسکی در نهایت بر این نکته تأکید می‌کند که تلاش خردورزان در آن دوران بر این پایه بوده که مشخص کنند مفاهیم فلسفی همان نکاتی است که از سوی خداوند آشکار شده و آن‌ها را از طریق ذهن بشری مستقل از وحی هم می‌توان شناخت (ibid: 56).

ایده‌ها یا تصورات الهی عنوان فصل سوم کتاب است. اگرچه از نظر فیلسوفان قرون وسطی جهان مادی را خداوند خلق کرده است، آنان با این ادعای اهل کلام که خداوند عالم را از هیچ آفریده مخالفت می‌ورزیدند. این مسئله که آیا جهان مادی قدیم است یا در

اثر تحول و یا اتفاق به وجود آمده از جمله موضوعاتی بود که ذهن متفکران مسیحی را به خود مشغول کرده بود. نویسندگان در این فصل، با اشاره به پرسش‌هایی از قبیل این‌که خداوند چگونه جهان را آفریده؟ آیا خداوند از قبل همه چیز را درباره تک تک موجودات می‌دانسته است؟ و یا این‌که همه چیز عالم دقیقاً منطبق بر موضوعات علم الهی است؟ به مسئلهٔ مثل افلاطونی به منزلهٔ پیش‌زمینه‌های بحث نزد عالمان مسیحی توجه کرده و این‌که آنان چگونه دیدگاه‌های خود را با نظریهٔ مثل افلاطونی سازگار می‌کردند به تفصیل توضیح می‌دهد. سپس به بررسی آرای دیونسیوس (Dionysius) و ژان اسکات اریژن (John Scotus Eriugena) در این باره می‌پردازد. در ادامه دیدگاه‌های بوناونتوره (Bonaventure) و آکوئیناس را دربارهٔ ایدهٔ الهی مقایسه کرده و اشاره می‌کند که آکوئیناس اساساً به ایده‌های الهی باور نداشت.

در فصل بعد، مسئلهٔ «کلیات» (universals)، به منزلهٔ مبحثی که فلسفهٔ قرون وسطی را از سایر بحث‌ها بیشتر به خود مشغول داشته، بررسی شده است. در ذیل این مقوله، علاوه بر پرسش‌های معرفت‌شناسانه و نکات راجع به منطق، مسئلهٔ باور دینی تثلیث و وحدت میان دو ذات بشری و الهی - خدا و مسیح - هم مطرح می‌شود. کوترسکی چندین سؤال را در مورد هریک از سه حوزهٔ فوق ارائه کرده و به صورت جداگانه و گذرا به هریک از آن‌ها پاسخ‌های کوتاه داده است. آن‌گاه نگرش‌های رئالیست‌ها و نومینالیست‌ها را بازگو کرده است. اشاره به متون اصلی افلاطون، ارسطو، فلوطین و بوئسیوس در این زمینه، و طرح دیدگاه‌های اندیشمندان پایان قرن وسطی - مثل هنری (Henry of Ghent) و اُکام - ذیل عنوان اسکولاستیک متأخر از دیگر بخش‌های این فصل است.

کوترسکی فصل پنجم کتاب خود را به موضوع استعلائیات (مفاهیم متعالی، Transcendentals) اختصاص داده است. استعلائیات از جمله مباحث مطرح در حوزهٔ متافیزیک و مرتبط با قلمرو دین است که در فلسفهٔ قرون میانه از جمله دغدغه‌های اصلی متفکران بوده است. دون اسکاتس معتقد بود متافیزیک دانش مربوط به استعلائیات است (ibid: 111)، و برخی صاحب‌نظران پس از وی به اشکال مختلف این مبحث را وسعت بخشیدند. در آن عصر این ادعا مطرح بود که کیفیت‌های استعلایی در وجود همهٔ موجودات ذاتی است و بنابراین دانسته و عمداً از وجود موجودات متمایز می‌گردد. در مقابل، رویکرد بسیاری از متافیزیک‌دانان در دوران معاصر عموماً این‌گونه است که ویژگی‌های استعلایی را سازندهٔ واقعی اشیا قلمداد کنند. مؤلف در ادامه تفاوت نگاه

فیلسوفان معاصر می‌مانند کانت و رویکردهای پدیدارشناسانه را با اندیشمندان قرون وسطی در مورد «ترانسندنتال»، و ریشه‌های فلسفی مفهوم «استعلایی» نزد افلاطون، ارسطو و نوافلاطونیان را مد نظر قرار داده است. «وحدت متعالی»، «حقیقت» و «خیر» از دیگر موارد مرتبط با این مبحث است که در مورد هر یک از آن‌ها توضیحاتی داده شده است. مسئله وجود شر در عالم و تعارض آن با خیر برین که امروزه هم از مجادله‌برانگیزترین بحث‌هاست، و متکلمان مسیحی هم سخت به آن پرداخته‌اند، از دیرباز در مسیحیت مطرح بوده است. کوترسکی ضمن مطرح ساختن نحوه توجیه مشکل فلسفی چرایی وجود شر در عالمی که مخلوق پروردگار مهربان است و آرای نوافلاطونیان مسیحی در این زمینه، به این نکته اشاره می‌کند که آگوستین نخستین کسی بود که سخنان سیستماتیک درباره ویژگی سلبی شر بیان کرد (ibid: 134).

«کیهان» و «طبیعت» (ذات) عنوان فصل بعدی کتاب است که با بیان وجود اختلاف فاحش میان نگرش قرون وسطی و عصر حاضر به عالم آغاز می‌شود. این مقوله فقط از جهت ارتباط با موضوع زمین مرکزی در میان نمی‌آید، بلکه از جهات دینی و اخلاقی نیز حائز اهمیت است. در این فصل سعی شده با توضیح مفاهیم اساسی کیهان و طبیعت یا سرشت آدمی در پرتو فهم بطلمیوسی نسبت به جهان، این نکته روشن شود که اهل نظر چگونه تلاش می‌کردند تا چالش میان رأی دین مبنی بر این که خداوند خالق هستی است و همه امور در ربط با قدرت اوست، با منابع فلسفی دوران باستان که حرکت و تحول موجودات را وابسته به طبیعت و ذات آن‌ها می‌دانستند، حل و فصل کنند. همچنین، ضمن اشاره به ترجمه آثار دانشمندان مسلمان به زبان لاتین در قرن دوازدهم، زمینه‌های تغییر مدل نگاه به جهان بررسی شده است. از سوی دیگر، با تغییر نگرش به عالم، موجبات تغییر نگرش نسبت به آزادبودن اراده انسان و عدم محکومیت در برابر سرنوشت فراهم آمد، و بسترهای لازم برای مواجهه با مسائلی از این دست مهیا شد که چگونه می‌توان آزادی آدمی را در جهانی که تحت انقیاد جبر علی است توجیه کرد؟ چگونه انسان می‌تواند حقیقتاً آزاد باشد وقتی خداوند واقف به همه امور است؟ ذات و سرشت آدمی به مثابه سرچشمه اخلاق از دیگر مباحث مطرح شده در این فصل است که اساس آن به مفهوم طبع بازمی‌گردد که در قرن دوازدهم و سیزدهم با ترجمه آثار ارسطو از زبان عربی و سپس یونانی وارد فرهنگ مغرب‌زمین شده بود. در این باره، توماس آکوئیناس و دیگر عالمان قرون وسطی بر آن شدند تا به دیدگاهی در حوزه اخلاق دست پیدا کنند مبتنی بر این که

خداوند به مثابه خالق موجودات انسان را به گونه‌ای آفریده که بذاته آزاد است و قدرت انتخاب دارد، و بنابراین خودش مسئول انتخاب‌های خویش است. سرانجام این بخش به بیان چهار تفاوت اساسی میان اندیشه قرون وسطی و تفکر مدرن در زمینه قواعد ذاتی اخلاق منتهی می‌شود. بحث پایانی فصل ششم، درباره استحالۀ سرچشمه‌ها و تئوری‌های دوره باستان در جریان توسعه نظریه حقوق طبیعی در سده‌های میانی است.

فصل هفتم مسئله «نفس» را موضوع بحث و بررسی قرار داده است، و در ابتدا به این نکته اشاره می‌کند که بحث نفس در طب، فلسفه و دانش‌های یونانی ریشه دارد، در حالی که در دوره مدرن بیشتر جنبه شعری یا کمابیش دینی دارد تا جایگاه علمی. برخی فیلسوفان ذهن معاصر هم اموری مثل تفکر، انتخاب و دیگر کنش‌های ذهنی را به ارگانیسم مادی ارجاع می‌دهند. اما موضوع نفس برای جوامع دینی در دوره میانه از اهمیت بسیار برخوردار بود. برای مثال، مقوله نفس از آن جهت برای آگوستین خیلی مهم بود که به واسطه آن می‌توانست مسئله وحدت با خداوند را به شکل کامل و قطعی درک کند (ibid: 188). بخش‌های مورد بحث در این فصل به ترتیب عبارت‌اند از: پیشینه یونانی مسئله نفس، انطباق‌های آگوستینی با دیدگاه‌های فلوطینی و مفهوم نفس در الهیات مدرسی. متفکران قرون وسطی که رأی کلی ارسطو را پذیرفته بودند برای اتخاذ موضعی قابل دفاع در زمینه نفس با مشکل روبه‌رو بودند. ارسطوییان رادیکال تمایل داشتند تا در این‌که بی‌اخلاقی‌های شخصی محصول ممکن نظریه ماده و صورت دانسته شود شک کنند. اما سایر مفسران ارسطو، به‌ویژه آکوئیناس، دلیلی پیدا کرده بودند مبنی بر این‌که نفس آدمی به مثابه صورت برای ماده مستعد عمل می‌کند (ibid: 196).

در نهایت، آخرین فصل کتاب جمع‌بندی بسیار مختصری است از آنچه در هفت فصل کتاب مطرح شده است. کوترسکی بر این باور است که محتوای ارائه‌شده در این کتاب نشان می‌دهد: مباحث مطرح در قرون وسطی منحصر به دین و الهیات نبوده و اندیشه‌های فلسفی نیز در آن دوره رواج داشته است. تفکر در قرون وسطی همراه با انواع موافقت‌ها و مخالفت‌ها بوده و جریانی یک‌پارچه نبوده است. همان‌گونه که پیدایش فلسفه در سده‌های میانه محصول پذیرش و رد مباحث دوره باستان است، جریان‌های فلسفی دوره رنسانس و مدرن نیز شامل اقتباس و عدم پذیرش و انطباق با تفکرات قرون وسطی است.

بررسی‌های این مجلد، تأکید مجددی دارد بر این‌که اندیشمندان مسیحی با دل‌سپردگی شدید دینی به استدلال‌های فلسفی رجوع کردند و فهم بهتری نسبت به باورهای پیشین

خود به دست آوردند. ادیان غالباً مطالب خود در مورد خداوند را در قالب داستان مطرح کرده‌اند تا آن را به زبان بشری و پنداره‌های عمومی درآورند؛ در حالی که این صورت از مطالب در بیان لاتین دوره میانه به شکل موشکافی‌های مشکل و پیچیده درآمد. لازم به ذکر است که فیلسوفان اصلی دوره باستان تأثیر شگرفی بر متفکران مسیحی و فهم آنان از مسئله ایمان داشتند. و سرانجام این که فیلسوفان در قرون وسطی منابع و متون غنی را برای فلسفیدن در دوره معاصر فراهم آوردند.

۴. نتیجه‌گیری

مقدمه‌ای بر فلسفه قرون وسطی از نظر چاپ، صفحه‌آرایی و قطع از وضعیت قابل قبولی برخوردار است، و رنگ و طرح جلد زیبایی دارد. با توجه به مختصر و روان بودن و عدم پیچیدگی مباحث آن، و بعضی مشابهت‌هایی که مباحث آن با فلسفه و کلام اسلامی دارد، ترجمه و انتشار آن به عنوان کتابی ساده و مقدماتی برای دانشجویان الهیات و علاقه‌مندان به فلسفه و کلام مسیحی سودمند است.

نویسنده در هریک از فصول، ابتدا توضیح مختصری درباره عنوان ذکر شده برای آن فصل مطرح ساخته و زمینه لازم برای ورود به بحث را فراهم آورده است، سپس مطالب مورد نظر خود را با دسته‌بندی و بیان تیرهای میانی مشخص ارائه کرده و در پایان هر فصل، علاوه بر درج پانوشت‌های ضروری، جمع‌بندی مفیدی نیز کرده است. و در خاتمه کتاب هم یک نتیجه‌گیری کلی از تمام مطالب آورده است. وی در بیان آرای متفکران مختلف سعی کرده به آثار اصلی آنان مراجعه کند، و همچنین تا اندازه‌ای هم از دیدگاه‌ها و نوشته‌های مرتبط سایر اصحاب نظر در قسمت‌های مختلف استفاده کرده است. نویسنده با امانت‌داری منابع مورد استفاده خود را، با بهره‌گیری از شیوه‌های استاندارد منبع‌نویسی، ذکر کرده است. نگارش توضیحاتی ساده و مفید برای لغات دشوار در صفحات پایانی کتاب، همراه معرفی اجمالی فیلسوفان و اندیشمندان مورد اشاره در متن، فهرست منابع و نمایه، از دیگر ویژگی‌های مثبت این اثر است.

کوترسکی در قسمت‌های مختلف کتاب ضمن پرهیز از پراکنده‌گویی، نظم و انسجام لازم را در نگارش مطالب رعایت کرده است. همچنین، نظم معناداری را در قراردادن مباحث و فصول مختلف در پی هم به کار برده است، ولی از طرح عمیق مباحث در بسیاری از قسمت‌ها خودداری کرده است. برای مثال، می‌دانیم که بسیاری از متفکران و

نویسندگان در سده‌های پس از قرون وسطی نقدهای جدی و اساسی به دیدگاه‌های رایج و پذیرفته‌شده آن دوران وارد ساختند، و با به‌چالش کشیدن بخش‌های مختلف آرای فیلسوفان مدرسی اشکالات نقض‌کننده و پرسش‌های دشوار و بعضاً بدون پاسخی را پیش روی آنان نهادند. به‌ویژه پس از کانت فضای بحث‌های مربوط به مباحث متافیزیک کاملاً تغییر کرد. اما کوترسکی اساساً یا توجهی به این دست مطالب نکرده یا در بعضی از موارد بدون طرح مناقشات جدی موجود صرفاً اشاره‌ای به بعضی نام‌ها و نظرها کرده است.

به‌نظر می‌رسد خوانندگان مورد نظر نویسنده دانشجویان و علاقه‌مندان سطوح میانی فلسفه و کلام مسیحی بوده‌اند. محتوای اثر بیشتر گزارشی اجمالی است از دیدگاه‌های اندیشمندان قرون وسطی که با زبان امروزی و شکل جدید و به منزله یک متن آموزشی تنظیم شده است، و چندان مباحث عمیق فلسفی و تحلیل‌های تازه و چالش‌برانگیز در آن دیده نمی‌شود.

پی‌نوشت

1. (with Ron Begley), *Medieval Education* (Bronx NY: Fordham University Press, 2005).
(with John Conley, S. J.), *Culture and Creed* (Philadelphia PA: St Joseph's University Press, 2004).
(with David Ruel Foster), *The Two Wings of Catholic Thought: Essays on Fides et Ratio* (Washington, D. C.: The Catholic University of America Press, 2003).
(with Raymond J. Langley), *Karl Jaspers on Philosophy of History and History of Philosophy* (Amherst, NY: Humanity Press, 2003).
(with John J. Conley, S. J.), *Prophecy and Diplomacy: The Moral Teaching of Pope John Paul II* (New York: Fordham Univ. Press, 1999).
 ۲. فردریک کاپلستون (۱۳۸۳). *دیباچه‌ای بر فلسفه قرون وسطی*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
 ۳. اتین ژیلسون (۱۳۶۶). *روح فلسفه قرون وسطی*، ترجمه ع. داوودی، تهران: علمی و فرهنگی.
اتین ژیلسون (۱۳۸۵). *نقد تفکر فلسفی غرب از قرون وسطی تا اوایل قرن بیستم*، ترجمه احمد احمدی، تهران: سمت.
- اتین ژیلسون (۱۳۷۸). *عقل و وحی در قرون وسطی*، ترجمه شهرام پازوکی، تهران: گروس.

منابع

- زیمل، گئورگ (۱۳۹۰). *شونپهاور و نیچه*، بازگردان شهناز مسمی پرست، تهران: علم.
- ژیلسون، اتین (۱۳۷۸). *عقل و وحی در قرون وسطی*، ترجمه شهرام پازوکی، تهران: گروس.
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۹۰). *تاریخ فلسفه*، ترجمه ابراهیم دادجو، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کونگ، هانس (۱۳۸۶). *متفکران بزرگ مسیحی*، گروه مترجمان، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.

Koterski, S. J., Joseph W. (2009). *An Introduction to Medieval philosophy, Basic Concept*, U. K. Willy-Blackwell.